

فرہنگ وارہ طاقدیس

شرح لغات، اصطلاحات، تعبیرات، تلمیحات، اعلام و کنایات ثنوی طاقدیس

ملا احمد بن محمد ہمدانی بن ابی ذرراقہ

بہ اہتمام:

عصمت قدیری انارک

بسم الله الرحمن الرحيم

فرهنگ واره طاقدیس

شرح لغات، اصطلاحات، تعبیرات، تلمیحات، اعلام و کنایات
مثنوی طاقدیس ملا احمد نراقی

به اهتمام:

عصمت قدیری اناری

سرشناسه	: قدیری اناری، عصمت، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: فرهنگ‌واره طاق‌دیس؛ شرح لغات، اصطلاحات، تعبیرات، تلمیحات، اعلام و کنایات مثنوی طاق‌دیس (ملاحمد بن محمد مهدی بن ابی ذر نراقی) / نویسنده و محقق عصمت قدیری‌اناری.
مشخصات نشر	: شهرقدس: ناریا مهر، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶۹۴۰-۱-۵۱
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: نراقی، احمد بن محمد مهدی، ۱۱۸۵ - ۱۲۴۵ ق. . طاق‌دیس -- نقد و تفسیر
موضوع	: شعر فارسی -- قرن ۱۳ ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	: Persian poetry -- ۱۹th century -- History and criticism
شناسه افزوده	: نراقی، احمد بن محمد مهدی، ۱۱۸۵ - ۱۲۴۵ ق. . طاق‌دیس . شرح
رده‌بندی کنگره	: PIR۷۴۶۴
رده‌بندی دیوبی	: ۵/۸۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۲۲۰۰۱۰

نام کتاب: فرهنگ‌واره طاق‌دیس؛ شرح لغات، اصطلاحات، تعبیرات، تلمیحات،
اعلام و کنایات، مثنوی طاق‌دیس ملاحمد نراقی

به اهتمام: عصمت قدیری اناری

ناشر: ناریا مهر

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۶۹۴۰-۰۴-۷

قیمت: ۶۰۰،۰۰۰ ریال

دفتر انتشارات: شهر قدس، بلوار ۴۵ متری انقلاب، خیابان شاهد، پلاک ۷،

تلفن: ۴۶۸۰۲۰۲۶



تقدیم به:

ساحت مقدس منجی عالم بشریت که مفهوم انتظار بایاد او معنای یابد.
پدر و روح مادر کرامی ام که الفبای زیستن را به من آموختند.
همسر عزیزم که دریای فروتنی است.

و

فرزندان خوبم محمد مهدی و محیا که آرامش زندگی ام هستند.

فهرست:

عنوان.....	صفحه
پیشگفتار:	۹.....
فصل اول	۱۱.....
بررسی احوال، افکار و آثار شاعر	۱۲.....
فصل دوم	۲۷.....
مثنوی طاق‌دیس و مقایسه سبک و ساختار آن با مثنوی معنوی	۲۸.....
فصل سوم	۴۵.....
فرهنگ‌واره لغات، اصطلاحات، تعبیرات، تلمیحات، اعلام و کنایات	۴۶.....
بخش اول	۴۸.....
لغات و تعبیرات	۴۸.....
بخش دوم	۱۵۵.....
تلمیحات	۱۵۵.....
بخش سوم	۲۰۱.....
اصطلاحات عرفانی	۲۰۱.....

۲۳۹	بخش چهارم
۲۳۹	اعلام:
۲۵۵	بخش پنجم
۲۵۵	کنایات:
۲۶۱	بخش ششم
۲۶۱	ترجمه ابیات عربی
۲۶۹	بخش هفتم
۲۶۹	سخن آخر
۲۷۱	فهرست منابع و مأخذ

پیشگفتار:

سخن گفتن اندر زبان آفرید	به نام خدایی که جان آفرید
کریم خطا بخش پوزش پذیر	خداوند بخشنده دستگیر
به هر در که شد هیچ عزت نیافت	عزیزی که هر کز درش سربتافت
به درگاه او بر زمین نیاز	سرپادشاهان گردن فراز

"سعدی"

«در میان زبانهای متعدد ایران، فارسی یگانه زبانی است که هیچ یک از السنه دیگر ایرانی بدان نرسیده [است].» (معین، ۱۳۷۱)

فرهنگ نویسی در ایران از قرن پنجم ه.ق. آغاز گردید. قدیمی ترین کتابی که در این زمینه در دست است «لغت نامه» تألیف اسدی طوسی شاعر است که به نام فرهنگ اسدی یا لغت فرس مشهور است. در قرن هشتم «صاح الفرس» توسط شمس الدین محمد هندوشاه نخجوانی تألیف شد. سپس در قرن دهم «فرهنگ میرزا ابراهیم» توسط میرزا ابراهیم بن شاه حسین اصفهانی، در قرن یازدهم، «مجمع الفرس» توسط محمد قاسم متخلص به سروری کاشانی، در قرن سیزدهم «برهان جامع» توسط محمد کریم تبریزی و «انجمن آرا» به قلم رضا قلی خان هدایت و فرهنگ های دیگری تألیف شده است.

در قرن معاصر دو لغت نامه معروف یعنی لغت نامه دهخدا که دایره المعارف بزرگی است و فرهنگ فارسی معین از اهمیت ویژه ای برخوردارند و از مراجع مهم در زبان فارسی به شمار می روند. البته فرهنگ های دیگر چون **فرهنگ جهانگیری، برهان قاطع** و فرهنگ عمید هم مورد توجه قرار می گیرند.

آنچه پیش رو دارید، مجموعه ای است از فرهنگ لغات، اصطلاحات عرفانی، تعبیرات، کنایات، اعلام و تلمیحات با تکیه بر مثنوی طاقдіس سروده متفکر، عارف و عالم علوم دینی ملا احمد نراقی کاشانی.

مثنوی طاقдіس، مثنوی عرفانی- اخلاقی است که تاکنون از نظرها پنهان مانده و تا زمان شروع به تألیف این اثر، شرحی بر آن نوشته نشده است. باتوجه به بررسی های به عمل آمده، دو چاپ از این کتاب ارزشمند عرضه شده است: یکی به اهتمام "حسن نراقی" نوه نویسنده که در سال ۱۳۶۲ ه.ش. توسط انتشارات امیرکبیر و دیگری به تصحیح "علی افراسیابی" در

زمستان سال ۱۳۸۱ ه.ش. توسط انتشارات نه‌اوندی قم چاپ و منتشر شده است که نسخه‌ی اخیر در این تحقیق منبع اصلی مورد استفاده‌ی نگارنده بوده است.

در این کتاب لغات، اصطلاحات، کنایات، اعلام و تلمیحات آیات و احادیث و اشارات تاریخی و اسطوره‌ای از مثنوی طاق‌دیس استخراج شده و معانی گوناگون واژگان از فرهنگ‌های متعدد آورده شده است و برای همه‌ی این موارد نمونه‌ایاتی از مثنوی طاق‌دیس و در حد امکان از مثنوی مولوی ذکر گردیده. همچنین از دیوان اشعار شعرای بزرگی چون حافظ، خاقانی، سنایی غزنوی، ناصر خسرو، عطار نیشابوری و امام خمینی شاهد مثال در ذیل واژه یا اصطلاح یا تلمیح یا کنایه آمده است.

ملاحمد بن مهدی بن ابی ذر نراقی کاشانی، از فقها، علما، متفکران و شاعران بزرگ قرن سیزدهم ه.ق تألیفات زیادی در فقه، اصول، اخلاق، نجوم، حکمت، عرفان و شعر و ادب دارد. در زمینه شعر و ادب از وی مثنوی نسبتاً بلندی به نام "طاق‌دیس" و مجموعه شعری به نام "دیوان صفایی" برجای است. مثنوی طاق‌دیس او از آثار خوب اخلاقی - عرفانی ادب فارسی به شمار می‌رود. اقتباس آیات و احادیث، ابداع ترکیبات و لغات جدید و بی سابقه، به کار بردن صنایع لفظی و معنوی، استفاده از اصطلاحات و تعبیرات عرفانی و فلسفی و کثرت استفاده از کنایات در این مثنوی، فهم اشعار را مشکل ساخته و موجب ابهام و پیچیدگی در معنی شده است.

در این کتاب، ضمن معرفی شاعر و مثنوی طاق‌دیس و اشاره به تألیفات دیگر وی، لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، فلسفی، نجومی و کنایات این اثر معنی شده و مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. اصطلاحات عرفانی در این مثنوی، بسامد بالایی دارد که معانی آنها از فرهنگ لغات و اصطلاحات عرفانی استخراج و همچنین ابیات عربی آن ترجمه شده است. برای هر لغت، اصطلاح، کنایه و تلمیح، نمونه شعری از مثنوی طاق‌دیس می‌بینید.

آن روز ز بوی دوست مستم کردند
سرشار ز باده‌ی الستم کردند
برکوه و زمین و آسمان سنگین بود
زان عشق چنین جام به دستم کردند

فصل اول

بررسی احوال، افکار و آثار شاعر

مثنوی طاقدیس یکی از آثار گرانبهای اخلاقی- عرفانی قرن سیزدهم ه.ق و متعلق به فقیه، متفکر و دانشمند نواندیش علامه ملااحمد بن مهدی بن ابی ذر نراقی کاشانی است. این تالیف، اثری عرفانی است و در آن از اصطلاحات و تعبیرات عرفانی و آیات و احادیث بهره گرفته شده و این مطالب در قالب تمثیل بیان گشته است، زبان ادبی اثر را به دشواری کشانده است. ضمناً کاربرد اصطلاحات و مضامین پیچیده عرفانی، فلسفی و غیره استفاده از متن این کتاب را دشوار کرده است. لذا این اثر، نیازمند شرح و توضیح می نمود و برای رفع این دشواری‌ها تهیه فرهنگی از لغات و اصطلاحات و تلمیحات مثنوی طاقدیس ضروری به نظر می‌رسید.

ملا احمد نراقی در سرودن مثنوی طاقدیس به ذخایر ارزشمند مثنوی معنوی مولانا جلال الدین محمد بلخی نیز نظر داشته است. وی از علمای بزرگ دوره قاجاریه است که در علوم مختلف زمان خود تبحر داشته و مثنوی ارزشمند طاقدیس را با بیش از ده هزار بیت در مجموعه آثار خود در زمینه های اخلاق، فلسفه، ریاضیات، نجوم پدید آورده است؛ اما متأسفانه چهره ادبی این شاعر فرزانه را چنان که باید نشناخته‌اند. تا آنجا که بررسی شده است، تا کنون از نظرها نهان مانده و تا زمان شروع به تالیف این اثر، هنوز شرح و تحلیلی از این مثنوی صورت نگرفته است. به جز دو تصحیح از این کتاب که به جمع آوری اشعار آن پرداخته و نیز چند مقاله درباره مثنوی طاقدیس و ملااحمد نراقی به نگارش در آمده است. گذشته از اینها، تنها در کتب تذکره و تاریخ ادبیات و فرهنگ‌ها و دایره المعارف‌ها نامی از این شاعر برده شده است و همه تاریخ نویسان به شرح حال مختصر و نمونه ای از شعر او اکتفا کرده اند.

تولد

در عهد سلطنت کریم خان زند، چهاردهم جمادی الثانی سال ۱۱۸۵ ه.ق. مطابق با ۱۱۵۰ ه.ش و ۱۷۷۱ میلادی در خانواده‌ای دانشمند و عالم علوم دینی در نراق^۱، از توابع کاشان، فرزندی به دنیا آمد. پدر این کودک، مرحوم علامه مهدی نراقی، از بزرگان و عالمان و مجتهدان مشهور زمان خود بود. این کودک کسی نبود جز ملا احمدبن مهدی بن ابی ذر نراقی کاشانی، «فقیه، متفکر و

۱. قصبه مرکزی دهستان نراق از بخش دلیجان شهرستان محلات است. در ۱۵ هزار گزی مشرق دلیجان در ناحیه کوهستانی سردسیری واقع است (لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۱۹۸۰۸)

دانشمند نو اندیش و مبتکری که شجاعت او در طرح مباحث جدید از او عالمی جاودان و شاخص ساخت.^۱

پدرش ملا مهدی معروف به محقق نراقی دانشمندی فیلسوف و فقیهی وارسته و از درخشان ترین چهره های فضل و اجتهاد و مرجعیت در قرن ۱۲ و ۱۳ بود. وی دوران نوجوانی و جوانی (۱۲۰۵-۱۱۹۰ ه.ق) را در شهر کاشان و در محضر پدر بزرگوارش گذراند و از سنین کودکی از دریای دانش و علم و تفکر جامع او بهره مند شد. ملا احمد در محضر این استاد خانگی قله های اندیشه و علم را یکی یکی پیمود و مقدمات و بیشتر دروس متوسط و عالی را در محضر پدر فراگرفت و همزمان با درک محضر درس عالمان بزرگ نجف و کربلا به کمالات خویش افزود و در مدت کوتاهی به درجه اجتهاد رسید و با استعداد قوی، همت عالی و ذهن توانایی که داشت، شروع به تدریس «معالم» و «مطول» نمود. وی در سال ۱۲۰۵ ه.ق. در حالی که به درجه اجتهاد رسیده بود، همراه پدر دانشمندش به عتبات عالیات مشرف شد و مراتب عالی تحصیلات حوزوی را آنجا گذراند. استادان ملا احمد در عتبات عالیات بزرگانی چون سید محمد مهدی بحر العلوم، سید علی طباطبایی، سید مهدی شهرستانی، شیخ جعفر کاشف الغطاء بودند که در نجف اشرف و کربلای معلّا از محضر آنها استفاده نمود. در جای خود مفصلاً به این بحث خواهیم پرداخت.

اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر ملا احمد

«ملا احمد در عهد سلطنت کریم خان زند متولد می شود. سلسله زندیه، سلسله ای از پادشاهان ایرانی است که بعد از قتل نادرشاه و قبل از قاجاریان یعنی از سال ۱۱۴۶ تا ۱۲۰۹ ه.ق بر بیشتر بخش های ایران سلطنت داشتند. پادشاهان زندیه عبارت بودند از:

- * کریم خان، جلوس به سال ۱۱۶۳ ه.ق.
- * ابوالفتح خان، جلوس به سال ۱۱۹۳ ه.ق.
- * علیمراد خان، جلوس به سال ۱۱۹۳ ه.ق.
- * محمد علی خان، جلوس به سال ۱۱۹۳ ه.ق.
- * صادق خان، جلوس به سال ۱۱۹۳ ه.ق.
- * علیمراد خان، جلوس به سال ۱۱۹۶ ه.ق.
- * جعفر خان، جلوس به سال ۱۱۹۹ ه.ق.

^۱ (دهخدا، ۱۳۸۳: ص ۱۱۴۲۸)

* لطفعلی خان، جلوس به سال ۱۲۰۳ ه.ق.

با توجه به مدت زمان کوتاه پادشاهی پادشاهان زند- به عنوان نمونه در سال ۱۱۹۳ ه.ق. ۴ نفر به پادشاهی رسیدند- متوجه می شویم که روزگار زندیه از امنیت سیاسی و اجتماعی مناسبی برخوردار نبوده و همین قضیه هنر و فرهنگ و ادب را هم تحت تاثیر خود قرار داده است. پادشاهان زندیه اکثر اوقات در حال جنگ‌های داخلی بوده‌اند و حتی به خویشان و دوستان خود نیز رحم نمی‌کردند. به عنوان نمونه ابوالفتح خان که با علیمراد خان و کریم خان متحد شده بود، به دست علیمرادخان کشته شد.

لطفعلی خان زند آخرین پادشاه زندیه در سال ۱۲۰۹ ه.ق. پس از ۶ سال سلطنت به دست آقا محمد خان به قتل رسید.

آقا محمد خان از زمان مرگ پدر (محمد حسن خان) در کودکی توسط کریم خان زند به اتفاق برادرش حسین قلی خان جهانسوز به شیراز برده شد و تا زمان مرگ کریم خان یعنی ۱۱۹۳ ه.ق. در دستگاه زندیه بود و آنها با او خوشرفتار بودند. وی پس از مرگ کریم خان زند به تخت نشست و چون مقطوع النسل بود، باباخان معروف به فتحعلی شاه، برادرزاده خود را ولیعهد کرد. محمدخان مردی توانا و با تدبیر بود و در جنگجویی مانند نداشت؛ ولی ظلم و ستم، بی رحمی و سنگدلی و جنایت هایش، چهره‌ای منفور در تاریخ به او داده است. نمونه آن شیوه کشتن لطفعلی خان زند، آخرین شاه زندیه و کورکردن او، قتل عام مردم کرمان و جنایات و غارت‌هایی است که در گرجستان انجام داد.

آقا محمد خان در محاصره کرمان برای تعقیب لطفعلی خان زند دستور داد، «خانه‌هایی از گل و خشت ساختند و از چوب درختان پنجره‌هایی هم برای این خانه‌ها تعبیه کردند تا سرسختی خود را به اهالی کرمان نشان دهد»^۱

سرانجام محمدخان قاجار پس از خونریزی‌های فراوان «با دستان خود چشمان لطفعلی خان را از حدقه کند.» آنگاه وی را به تهران بردند و به حکم خان قاجار به قتل رساندند و در امامزاده زید تهران به خاک سپرده شد.

خان قاجار همچنان مشغول کشور گشایی و تصرف شهرها بود و متوجه بخش‌هایی از منطقه قفقاز شد و می‌خواست حاکم آنجا را وادار به اطاعت کند؛ ولی این بار رفتار وحشیانه و

^۱ (ناروند، ۱۳۵۴، ج ۱: ص ۲۶۶)

بدخویی او باعث مرگش شد. به این ترتیب که «در میان دو پیشخدمت او به نام های صادق خان گرجی و خداداد فراش نزاعی درگرفت... چون این دو تن با هم نزاع کردند و بانگشان برخاست،

آقا محمد خان خشم گرفت و فرمان داد هر دو را بکشند.^۱ آنها هم از ترس، دست به یکی کردند و سرانجام در ۲۱ ذی الحجه سال ۱۲۱۱ ه.ق، موقع سحر در حالی که محمدخان در خواب بود، او را کشتند و صندوقچه جواهراتش را به نزد یکی از سردارانش بردند.

به این ترتیب آخرین برگ از زندگی خان قاجار ورق خورد و نوبت به ولیعهد او یعنی بابا خان رسید. بابا خان به هنگام تاج گذاری نام فتحعلی شاه را برای خود برگزید. فتحعلی شاه در سال های آغازین حکومت به قصد سرکوبی مخالفان باعث جنگ های بسیاری در ایران شد. جنگ های ایران و روسیه که منجر به قراردادهای و عهدنامه های مختلف و جدا شدن قسمت هایی از خاک ایران شد، در دوره این پادشاه صورت گرفت.

فتحعلی شاه پس از نشستن بر تخت شاهی سعی کرد با نزدیک شدن به علمای شیعه و مجتهدان زمان از جمله شیخ جعفر نجفی معروف به کاشف الغطاء و ملا احمد نراقی و دیگران صورت مشروعیت به حکومت خود داده، پایه های قدرت خود را محکم کند. پروفسور حامد الگار در این باره می نویسد: «در دوران حکومت فتحعلی شاه شاهد گسترش مداخله بسیاری از علمای مهم در زندگی عمومی بود.»

شاه برای این که حسن نیت خود را نسبت به دین ثابت کند و خود را در نظر علما به عنوان یک پادشاه دیندار جلوه دهد، اقدام به ساخت مساجد و تعمیر حرم ها می کرد. «کتابهای مذهبی اغلب یا به سفارش شاه نوشته می شد یا به او پیشکش می شد» در راستای همین اهداف، فتحعلی شاه هنگام تکیه زدن بر تخت سلطنت از شیخ جعفر نجفی معروف به کاشف الغطاء که از بزرگان فقها در آن زمان بود، اجازه گرفت و از ملا احمد نراقی هم که شخصیت بزرگ علمی و مرجع شیعیان بود، درخواست کرد که رساله عملیه ای تألیف کند. ملا احمد «وسيله النجاه» را در دو جلد نوشت و به شاه هدیه نمود.

فتحعلی شاه در جنگ های ایران و روس از حمایت این علما در ترغیب مردم به جهاد بهره ها گرفت. در حمله روس ها به اهالی مسلمان قفقاز، هر چند فتحعلی شاه از اعلان جهاد

^۱ نفیسی، ۱۳۵۴، ۶۰.

اکراه داشت، ولی عباس میرزا، ولیعهد، «تنها از سلاح فشار روحانیون سود جست تا فتحعلی شاه را ناگزیر به موافقت برای جهاد کند.»

دستور علما و مجتهدین به جهاد که مردم آنها را به عنوان رهبران واقعی خود می دانستند، کافی بود تا آنها در برابر روس ها به مقابله پردازند. در کتاب دین و دولت در ایران همچنین آمده است: «گروهی از علماء که ملا احمد نراقی و ملا عبدالوهاب قزوینی در آن شمار بودند، به نشانه آماده بودن برای جهاد و شهادت در حالیکه کفن پوشیده بودند، به اردوی پادشاهی رسیدند.»

به این طریق شاه را مجبور به جهاد در برابر حمله دشمن کردند. این نشان می دهد که علمایی چون ملا احمد نراقی در دوره قاجاریه از نفوذ بالایی در دستگاه دولتی برخوردار بودند و شاهان قاجار به خاطر وجهه ظاهری هم که شده به آنها احترام می گذاشتند. به همین دلیل علما نقش بسزایی در اوضاع فرهنگی- اجتماعی زمان خود نیز ایفا می کردند. همین تأثیر باعث شد، شاه به جمع آوری نیرو پرداخته، اعلان جهاد نماید و در این جنگ ابتدا، ایرانیان پیروز شدند و روس ها را بیرون کردند، ولی به دلیل کمبود امکانات جنگی و کاهلی عباس میرزا، به خاطر اینکه علما حاضر بودند و اگر پیروز می شدند، مردم اعتقادشان به آنها زیادتر می شد و آنها را عامل مؤثری در پیروزی می دانستند، نیروهای ایرانی شکست خوردند و در اثر همین شکست معاهده ترکمن چای به ایران تحمیل شد.

بنابراین دو عهد نامه گلستان و ترکمن چای، حاصل جنگ های ایران و روس در سال های ۱۲۲۲ تا ۱۲۴۱ ه.ق. بود که از حوادث دوران زندگی ملا احمد نراقی است. در مورد حمله روسها به اهالی مسلمان قفقاز و منطقه گنجه و سرزمین بردع، ملا احمد ذیل حکایت حضرت ابراهیم و فدا کردن پسر در منی می سراید:

ای صفایی مرد میدانی اگر	عید قربان است هر روز ای پسر!
هر سرخاری که بینی خنجر است	هر سر کویی منا و مشعر است
نفخه عشق آید از هر سرزمین	دیده بگشا ساحت بردع بین
در زمین گنجه روز اربعین	خون پاکان را به خاک آغشته بین
گنجه یارب یا زمین کربلاست؟	ای رفیقان گنجه یا کوی مناست؟
تیغها بنگر در آنجا آخته	روبهان بر شیرمردان تاخته

حبذا آن گنجهای شایگان
شهد جان از خاک شوشی می‌چشد^۱

گنجه‌ها در گنجه می‌بینم نهان
شیشه دل سوی شوشی می‌کشد

شخصیت علمی ملا احمد

ملا احمد نراقی از چهره‌های درخشان دانش و معنویت و از فقهای بزرگ و مشهور قرن سیزدهم ه.ق. است. وی در علوم مختلف فقه، اصول، رجال، درایه، حکمت، نجوم، اخلاق، شعر و ادبیات، حدیث و عرفان استاد بود.

ملا احمد از هوش سرشاری در فراگیری علوم مختلف برخوردار بود، به همین علت شهرت خود را کمتر از طریق استاد، بلکه از طریق تحقیق و تتبع در کتب علمی و مسافرتها مختلف بدست آورد.

آنچه او را از دیگر همعصرانش - که فقهای بزرگ و مشهوری بوده‌اند - ممتاز نموده، شخصیت اجتماعی ملا احمد در کنار شخصیت علمی و اجتهادش می‌باشد، به گونه‌ای که ملا احمد بر شاه قاجار (**فتحعلی شاه**) تسلط و نفوذ داشت و اغلب در جهت کوشش برای رفاه مردم او را نصیحت می‌کرد. شاه قاجار هم ظاهراً برای مثبت نشان دادن خود، از این مجتهد بزرگ، حرف شنوی داشت و ملا احمد از این فرصت استفاده کرده در دستگاه دولتی و مسایل اجتماعی نفوذی کامل داشت و از همان دوران نوجوانی به عنوان مرجع تقلید، ریاست و زعامت دین و دنیای مردم آن روز کاشان و حتی قسمتهای دیگری از ایران را برعهده داشت.

نراقی قهرمان مبارز در جنگ‌های ایران و روس در دوره زندگانی خود بود که از سویی مردم را به شرکت در مبارزه علیه استعمار دعوت می‌کرد و از سوی دیگر با تدوین کتب و رسالات، زمامداران زمان خود را آگاه می‌کرد تا به وظایف دینی و ملی خود به خوبی عمل کنند. وی علاوه بر اینکه فقیهی اسلام شناس و مجتهدی بزرگ بود، به سرودن اشعار بسیار نغز و لطیف حاوی نکات اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و عرفانی نیز می‌پرداخت که نمونه آن مثنوی شریف **طاقدیس** است. استاد سعید نفیسی در این باره می‌نویسد:

«یکی از امتیازات بزرگ این مرد میان معاصرانش این است که در زبان فارسی نویسنده و سراینده بسیار باذوق و شیرین سخنی بوده است و زندگی بسیار ساده‌بی‌آلایش داشته و در آزاد منشی، یگانه روزگار خویش بوده است.»^۱

^۱ نراقی، طاقدیس، ۱۳۸۱: صص ۴۳۰ و ۴۳۱

این استاد فرزانه به اعتقاد بسیاری از محققان و مصنفان فقه و اصول در زمینه‌های مختلف علوم معقول و منقول متبحر بود و سعی و کوشش او در طرح مباحث جدید فقهی از او فقهی مبتکر ساخته بود. نمونه‌ای از این ابتکار طرح مبحث ولایت فقیه در کتاب عوایدالایام اوست که وی علاوه بر فقه‌های قبل از خود که به این بحث به صورت جزئی نگاه کرده و آن را در امور حسیه و صرف موارد زکات و خمس منحصر می‌دیدند، مبحث ولایت فقیه و حکومت اسلامی را با هم جمع کرده و به صورت منسجم آن را مطرح نموده است.

علی اوسط الناطقی در مقدمه عوایدالایام درباره شخصیت علمی ملا احمد می‌نویسد:

«لقد تَمَّيزَ الفاضل النراقی بموسوعيته المعروفة و حُظَيْش بِمكانه علميه و اجتماعيه ممتازه، فقد كانَ جامعاً لاکثر العلوم و الفنون، فناءً عالِماً فی الاصولو الفقه و الحديث و الرجال و الدرایه و الرياضیات و النجوم و الحکمه و الکلام و الآداب و الاخلاق، بالاضافه الی کونه ادیباً و شاعراً بلیغاً باللغه الفارسیه، حیث یتجلی ذالک مِن خِلال تألیفانهِ الکثیره».^۲

ملاحمد و پدر بزرگوارش ملا مهدی، هر دو در زمان خود از علمای بزرگ و برجسته و مورد اعتماد و توجه مردم بودند که از هر دو تعبیر به «نراقیان» می‌شود. پدر را نراقی اول و پسر را نراقی ثانی می‌گویند. علامه حسن حسن زاده آملی در مقدمه انیس الموحدین می‌نویسد:

«علامه محقق ملامهدی نراقی را نراقی اول و خلف صالحش ملا احمد فاضل نراقی را نراقی ثانی می‌گویند و از هر دو تعبیر به «نراقیان» می‌شود... وقتی در محضر مبارک حضرت استاد علامه طباطبایی صاحب تفسیر المیزان تشریف داشتیم که از نراقیان سخن به میان آمد، فرمودند: «نراقیان هر دو از علمای بزرگ اسلام و ناشناخته‌اند».^۳

مسافرت‌های ملا احمد

آنطور که از شواهد بر می‌آید، اکثر مسافرت‌های ملاحمد برای تکمیل دروس حوزوی و افزایش علم و دانش دینی بوده است. وی دو سفر به عتبات عالیات داشته که سفر دوم گویا به مقصد زیارت بیت الله الحرام بوده است. اولین سفر ملاحمد، مورد اجماع نویسندگانی است که

^۱ نفیسی، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۷۷

^۲ نراقی، ۱۳۷۵، صص ۴۵ و ۴۶

^۳ نراقی، انیس الموحدین، ۱۳۶۳، ص ۱۴

در مورد وی مقاله یا کتابی تدوین کرده اند. این سفر در سال ۱۲۰۵ ه.ق. در معیت پدرش ملا مهدی نراقی صورت گرفت که وی در کربلا در سالهای پایانی عمر علامه **وحید بهبهانی** (متوفی ۱۲۰۸ ه.ق) در درس او شرکت کرد و سپس از محضر فقیه بزرگ **میرزا مهدی شهرستانی** بهره ها برد. در نجف اشرف هم از محضر درس **سید مهدی بحر العلوم** و **شیخ جعفر نجفی** معروف به **کاشف الغطاء** کسب فیض کرد.

دومین سفرش که بنا به قول مشهور مورخان به عتبات عالیات و در سال ۱۲۱۰ ه.ق صورت گرفته، مورد اختلاف است. به گفته ی خود ملا احمد در کتاب "الخزائن" این سفر در سال ۱۲۱۰ ه.ق و به مقصد زیارت خانه خدا بوده است. بعضی از مورخان تاریخ این سفر را سال ۱۲۱۲ ه.ق. نقل کرده اند. ملا احمد در دو قسمت کتاب "خزائن" می نویسد: «در سنه ۱۲۱۰ ه.ق. که حقیر به عزم زیارت بیت الله الحرام وارد بغداد شدم، چند یومی در بقعه متبرکه کاظمین (ع) به جهت اجتماع، توقف اتفاق افتاد در شب جمعه در روضه مبارکه امامین هادیین بودم.»^۱

و در جای دیگر کتاب می نویسد:

« حاج الحرمین الشریفین حاج جواد صباغ که از معتبرترین تجار وثقه و معتمد بود و در "سر من رأی"، سرکار تعمیر روضه متبرکه عسکریین در سرداب مقدس بود، از جانب جعفر قلی خان خویی در سنه ۱۲۱۰ که حقیر به اعزام زیارت بیت الله الحرام به آن حدود مشرف شده، به زیارت "سرمن رأی" رفتم...»

به هر ترتیب ملا احمد در سال ۱۲۰۹ ه.ق. به علت این که پدرش حاج ملا مهدی نراقی دار فانی را وداع گفت، به کاشان برگشت و مشغول آموزش علوم دینی برای طلاب گردید. وی محل مراجعات مردمی برای حل مسایل و مشکلات دینی در آن زمان بود. در عواید الایام آمده است:

«... و فی عام ۱۲۰۹ توفی والده و اضطرّ الی العوده الی کاشان فی وقت اشتها فیہ ببلوغه مرتبه الاجتهاد و أخذ علی عاتقه مسیولیته التدّریس خلفاً لوالده فی الحوزه العلمیه فی مدینه کاشان».

^۱ نراقی، ج ۱، ص ۲۹۲

استادان ملاحمد

اولین استاد و مربی این حکیم و عالم بزرگ، پدرش حاج ملامهدی نراقی است که ملاحمد در پانزده سال آخر عمر پدر بزرگوارش حدود سالهای ۱۱۹۰ تا ۱۲۰۵ ه.ق. دوره‌های مقدمات، سطح و خارج را نزد او گذارند. استادان دیگر وی به شرح ذیل است:

* علامه سید محمد مهدی بحر العلوم

* علامه وحید بهبهانی.

* شیخ جعفر نجفی معروف به کاشف الغطاء.

* میرزا مهدی شهرستانی.

* سید علی طباطبایی کربلایی، صاحب ریاض، خواهرزاده محقق اردبیلی.

* حاج محمد شفیع بروجردی.

در مقدمه کتاب مستند الشیعه تألیف ملاحمد چنین نوشته شده:

«در سال ۱۲۰۵ ه.ق. به سوی عراق برای زیارت عتبات عالیات و تکمیل دروس عالی حرکت نمودند. در نجف در درس سید محمد مهدی بحر العلوم و شیخ جعفر کاشف الغطاء حاضر شدند و بر آموختنی‌های خود افزودند. سپس به قصد کربلا برای استفاده از اساتید آنجا راهی شدند. در محضر درس علی طباطبایی، صاحب ریاض و سید مهدی شهرستانی و بنا بر محکی در نجوم اسماء از روضه البهیة در درس استاد کل مرحوم وحید بهبهانی نیز شرکت کرد.»^۱

آقای عبد الرزاق حقیقت در این باره می‌نویسد: «تحصیلات او در فلسفه و فقه اصول و ادبیات است. پدرش حاج محمد مهدی نراقی و شیخ جعفر کاشف الغطاء و بحر العلوم و آقا سید علی استادان او هستند.»^۲

شاگردان ملاحمد

باتوجه به این که ملاحمد از مجتهدین زمان خود و محل مراجعات مردمی برای حل و فصل مسائل و مشکلات دینی و دنیایی بوده، بنابراین در آموزش علوم دینی به افراد دیگر سنگ تمام گذاشته و در تربیت و تعلیم فقها و دانشمندان و عالمان زمان خود تلاش بی‌وقفه

^۱ نراقی، ۱۴۱۵ ه.ق. ج ۱: ص ۱۵

^۲ حقیقت، ۱۳۶۸، بخش سوم: ص ۱۴۲۵

ای نموده است. آن طور که از شواهد بر می آید، تمام هم و غم این محقق فقیه انتقال آموخته ها و یافته های خود به دیگران بوده است.

یکی از شاگردان برجسته ملااحمد، **شیخ مرتضی انصاری** متوفای ۱۲۸۱ ه.ق. است که قریب به ۴ سال (۱۲۴۱ تا ۱۲۴۴ ه.ق.) از محضر ملااحمد بهره برد. شیخ به دنبال کسب علم و دانش به شهرهای مختلف سفر می کرد و از حوزه های علمیه بازدید می نمود. وقتی به کاشان رسید و ملااحمد را که مجتهد زمان خود و مدرس حوزه علمیه کاشان بود، زیارت کرد، همان جا ماندگار شد و در درس ملااحمد شرکت کرد. سید کاظم موسوی می نویسد:

«زمانی که شیخ انصاری آوازه ملااحمد نراقی را در کاشان شنید، به همراهی برادرش به سوی کاشان شتافت که مورد استقبال و احترام ملااحمد قرار گرفتند و در یکی از مدارس آن محل اقامت افکندند. وقتی که شیخ انصاری چهره ملااحمد را بر بلندای مدرسه علمیه کاشان مشاهده نمود و او را همانند دریایی از علم و حکمت و عرفان و اخلاق یافت، تصمیم بر ماندن گرفت، گویی شیخ گم شده خود را دریافته بود و لذا قریب به چهار سال از محضر علمی و اخلاقی او بهره جست و در حلقه درس او از سال ۱۲۴۱ ه.ق. تا سال ۱۲۴۴ ه.ق. قرار گرفت».^۱

شیخ انصاری در این مدت به شدت مجذوب استاد خود شد. ملااحمد نیز ارادت خاص به شاگرد خود پیدا کرده بود، به گونه ای که هنگام هجرت شیخ انصاری از کاشان، اجازه نامه ای به او داد و گفت: «استفاده ای که من از این جوان نمودم. بیش از استفاده هایی بود که او از من برد».

شاگردان دیگر ملااحمد عبارت بودند از:

* ملا محمدحسن جاسبی

* سید محمد شفیع جاپلقی، متوفای ۱۲۸۰ ه.ق.

* محمد علی آرانی کاشانی

* ملامهدی نراقی برادر وی متوفای ۱۲۸۶ ه.ق.، ملقب به آقا بزرگ که او به نام پدرش

نامگذاری شده چون در سال وفات ملامهدی یعنی سال ۱۲۰۹ ه.ق متولد شد.

* برادر دیگرش میرزا ابوالقاسم نراقی متوفای ۱۲۵۶ ه.ق.

^۱ موسوی، نشر دانش، ۱۳۶۳: ص ۱۱

*فرزند وی محمد نراقی متوفانی ۱۲۹۷ ه.ق. ملقب به «عبدالصاحب» و معروف به «حجه الاسلام» که تولیت مدرسه سلطانی را که فتحعلی شاه در شهر کاشان ساخته بود، بر عهده داشت.

* محمد باقر هزار جریبی

* ملااحمد نطنزی، وی داماد ملااحمد نیز بوده است.

*میرزای قمی

* میرزا حبیب الله معروف به میرزا بابا که پدر مادر ملاحبیب الله صاحب کتاب لباب الالقب است.

*حاج سید محمدتقی پشت مشهدی

همچنین علما و مجتهدین بزرگ متأخر و معاصر مثل محدث نوری صاحب مستدرک الوسائل، امام خمینی (ره) و مرحوم آیت الله مرعشی نجفی از طریق شاگردان ملااحمد، بخصوص شیخ مرتضی انصاری، در حلقه اتصال شاگردی وی می باشند.

آثار و نوشته های ملا احمد

از ملا احمد نراقی، تألیفات، رسالات و تصنیفات متعددی به جامانده است. تعداد این آثار بر اساس دست خط ملااحمد که نوّه ایشان، حسن نراقی، در مقدمه کتاب "طاقدیس" آورده است تا سال ۱۲۲۸ به ۱۸ جلد می رسد. برخی از علمای بزرگ و مورخان شهیر آثار او را بالغ بر ۳۵ اثر در موضوعات مختلف ذکر کرده اند.

تألیفات، تصنیفات و تراجم این عالم جلیل القدر در پاره ای موارد، با عبارات فنی و تخصصی و گاهی با بیان ساده و دلنشین و زمانی بسان شاعری توانا در قالب شعر همراه با صناعات ادبی نوشته شده که مجموع آنها کارنامه درخشانی از دوران زندگی اوست.

در کتاب تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر آمده است: «مرحوم حاج ملااحمد بن حاج ملامهدی بن ابی ذر نراقی کاشانی، یکی از بزرگان ایران در آن روزگار و مردی بسیار دانا و محیط بر معارف عصر خود و عارف پیشه و شاعر بسیار زبردستی بوده و صفایی تخلص می کرده...»

تألیفات مرحوم نراقی چه در زمان حیات آن عالم فقیه و چه پس از آن، مورد توجه و مراجعه علمای بزرگ بوده است. فقیه بزرگ شیعه، سید کاظم یزدی نویسنده «عروه» همیشه سه کتاب مهم فقهی در نزدش عزیز و مورد مراجعه بوده که یکی از آنها "مستند الشیعه" مرحوم نراقی است.

اغلب آثار نراقی در تکمیل آثار پدرش ملامهدی و یا شرح آنهاست. در ذیل فهرست وار به آثاری که به اونسبت داده شده اشاره می شود:

* معراج السعاده، به زبان فارسی به درخواست فتحعلی شاه قاجار نوشته شده است و مکمل کتاب جامع السعادات پدرش می باشد.

* وسیله النجاه، شامل دو رساله در دو جلد که به درخواست فتحعلی شاه نوشته شده.

* الخزائن، نوعی کشکول به زبان فارسی، شامل مطالب علمی و ادبی.

* مستند الشیعه فی احکام الشریعه، در زمینه فقه استدلالی و مکمل کتاب معتمد الشیعه اثر پدرش.

* مشکلات العلوم، که غیر از کتاب مشکلات العلوم پدرش می باشد.

* شرحی بر تجرید الاصول در هفت جلد (تجرید الاصول اثر ملامهدی نراقی است)

* عین الاصول

* مناهج الاصول

* مفتاح الاصول

* اساس الاحکام فی تنقیح عمد مسایل الاصول بالاحکام

* شرح محصل الهییه، (محصل الهییه اثر ملامهدی است)

* -شرح رساله ای در حساب (متن رساله از پدر)

* مناسک حج

* اسرار الحج

* سیف الامه و برهان المله: این کتاب در رد اشکالات کشیش مسیحی انگلیسی به نام "هانری مارتین" به دین اسلام نوشته شده. این کشیش انگلیسی که به "پادری" معروف بود، در سال ۱۲۲۶ ه.ق. از هند به شیراز آمد و وانمود به پذیرش اسلام کرد و خود را یوسف نامید. او سپس اشکالاتی به دین اسلام وارد کرد، که این کتاب در جواب آنهاست. ملااحمد برای

نوشتن ردیه به شبهات او، ده تن از خاخامهای کاشان را دعوت کرد و تعدادی از عبارات عهد عتیق و آثار مربوط به مذهب یهود را به فارسی برگرداند. (الگار، صص ۱۴۸-۱۴۴)

* الرسایل و المسایل: در دو جلد، جلد اول آن مسایلی است که فتحعلی شاه قاجار و دیگران از او سؤال کردند و جلد دوم در بیان بعضی از مسایل اصولی به زبان فارسی است.

* مفتاح الاحکام فی اصول الفقه

* مناهج الاحکام

* هدایه الشیعه

* تذکره الاحباب

* عواید الایام من امهات ادله الاحکام، شامل ۸۸ عایده است.

* خلاصه المسایل: رساله ای در مورد مسایل طهارت و نماز

* رساله عملیه: به زبان فارسی

* رساله ای در عبارات به غیر از رساله عملیه است.

* کتابی در تفسیر

* اجتماع الامرو نهی

* حجه المظنه

* شرح حدیث جسدالمیت

* القضاء و الشهادات

* رساله فی منجزات المریض

* جامع المواعظ

* مثنوی طاقدیس، شامل قصص و داستانهای عرفانی، اخلاقی و تربیتی به سبک مثنوی

مولوی.

* دیوان صفایی که غیر از مثنوی طاقدیس است.

* حاشیه «اکر» تاؤدوسیوس، از حکمای ریاضی یونانی است که در قرن اول میلادی

می زیسته و صاحب تألیفاتی در ریاضی و هندسه است. کتاب «الاکر» کتاب اوست که ملااحمد بر آن حاشیه نوشته.

* الاطعمه والاشربه، به زبان فارسی.

وفات ملااحمد

این شخصیت بزرگ عالم تشیع و فقاہت و بزرگ مرد صحنه های مبارزه با استعمار بیگانه، هم او که بیشتر عمر شریفش را علاوه بر نگارش کتب، در زمینه های مختلف از قبیل فقه و اصول و رجال و ریاضیات و اخلاق و شعر و ادب و عرفان، به مبارزه با بیگانگان پرداخت و با استفاده از نفوذی که در دستگاه دولتی داشت، توانست در حفظ میهن اسلامی ایران، بسیار مؤثر باشد، سرانجام در اول شب یکشنبه، بیست و سوم ربیع الثانی ۱۲۴۵ ه.ق، مطابق با ۱۲۰۸ ه.ش. و ۱۸۲۹ میلادی در اثر بیماری وبا که در زمان ملااحمد در کاشان و اطراف آن شهر شایع شده بود و درمان ناپذیر و مسری بود، به دیدار معشوق ازلی خود شتافت.^۱

جسد مطهر آن بزرگوار قبل از دفن به نجف اشرف منتقل و در کنار پدر بزرگوار خود و در جوار بارگاه ملکوتی حضرت علی (ع) سمت پشت سر مبارک به خاک سپرده شد. در پایان این فصل حکایتی را در مورد زهد و پارسایی و عدم تعلق ملا احمد نراقی به دنیا و فریبندهای آن به نقل از کتب تاریخی می آوریم:

حکایتی از مرحوم فاضل نراقی در کتب تاریخی آمده است که: درویشی، نام ملا احمد نراقی و تعریف کتاب معراج السعاده او را شنیده و به شدت مرید و شیفته وی شده بود. به همین سبب روزی درویش به قصد زیارت ملا احمد نراقی وارد شهر کاشان می شود و چون دستگاه ریاست، رفت و آمد و مراجعه مردم را به وی می بیند، اندکی از ارادتش نسبت به او کاسته می شود. از سوی دیگر ملا احمد نراقی هم در دیدارهایی که با درویش انجام می دهد متوجه این موضوع می گردد.

بعد از چند روزی درویش می گوید که تصمیم دارد به کربلا سفر کند. ملا احمد در جواب می گوید: چه بهتر که من هم چنین قصدی داشتم. پس صبر کن تا با هم حرکت کنیم. در این جا درویش می پرسد، چند روز باید صبر کنم تا شما آماده شوید؟ جواب می شنود: همین الان مهیا هستم. سپس با هم این سفر را آغاز می کنند. وقتی به چند فرسخی قم می رسند به خاطر رفع خستگی در کنار چشمه ای اتراق می کنند در اینجا درویش می گوید: کشکول خود را

^۱ در بعضی از کتب و ترجمه ها تاریخ وفات او را ۱۲۴۴ ه.ق ذکر کرده اند، از جمله: ریحانه الادب، محمد علی مدرسی، ج ۶، ص ۱۶۰، فوائد الرضویه، شیخ عباس قمی، ص ۴۱، لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۱۱۶۵، ذیل احمدین مهدی... خدمات متقابل اسلام و ایران، مرتضی مطهری به نقل از ریحانه الادب، ولی تاریخ ۱۲۴۴ صحیح به نظر نمی رسد، زیرا قول اکثر علماء و دانشمندان مشهور سال ۱۲۴۵ است و ثانیاً، ملااحمد اجازه نامه شیخ انصاری و برادرش ملامهدی را که همنام پدرش می باشد، در سال ۱۲۴۴ تقریر نموده اند. همچنین تألیف رساله القضاء و الشهادات را در ربیع الثانی ۱۲۴۵ ه.ق (طبق شواهد) به اتمام رسانده است.

در خانه شما جا گذاشته‌ام. نراقی می‌گوید: این که چیزی نیست وقتی از سفر بازگشتیم، آن را تحویل می‌گیری. او قبول نمی‌کند و می‌گوید: من به این کشکول خیلی علاقه‌مندم. ملا احمد سوال می‌کند: آیا نمی‌توانی مدتی بدون کشکول باشی؟ او جواب می‌دهد: من تبرزین خودم را می‌خواهم و آماده بازگشت به کاشان می‌شود.

در این هنگام آن فقیه زاهد و پارسا می‌فرماید: "ای درویش! من به آن ریاست و مقام و منزلتی که در کاشان دارم، اینقدر وابسته نیستم که تو به این کشکول خود وابسته‌ای؟!"